

در ارومیه، سیلوانا ونز دیک تیریز و مهلباد فیلمبر داری کار انجام شده است. سعی کردیم تاجایی که می شود جغرافیای زیبای آن منطقه را نشان دهیم، که هم از شاخصه های بومی استفاده کرده باشیم و هم فیلم برای مخاطب تازگی های بصری داشته باشد. طبیعت سرسبز آذربایجان با طبیعت شمال متفاوت است. طبیعت آذربایجان طبیعت وحشی تری است و عمق میدان بیشتری دارد و به شما کمک می کند که پلان های بسیار زیباتری را فیلمبرداری کنید.

برای فیلمبرداری از چه دوربینی استفاده کردید و دلیل انتخاب تان چه بوده است؟

انتخاب فیلمبرداری کار این بود که برای داشتن کیفیت بهتر و فضا سازی مناسب، از دوربین مینی الکسا استفاده کنیم.

بیشتر کارگردانان در تجربه اول بنا به توصیه تهیه کننده به سراغ بازیگران شناخته شده می روند تا در گیشه موفق باشند. چرا تر جیح ندادید از بازیگران چهره استفاده کنید؟

موضوعی که به نظرم سینما را در حال حاضر از محتوا دور کرده، هم به سبب وضعیت اقتصادی و فروش فیلمها و دیگر عواملی که دخیل است، اتکا به چند بازیگر خاص است؛ در بیشتر موارد تلاش شده که گیشه را در دست داشته باشیم. ولی مشکلی که وجود دارد این است که بعد از گذشت چند سال، ما در این استفاده از این چهره ها دچار تکرار می شویم. تکراری که به نفع سینمانیست، نمی توان منکر این قضیه شد که بازیگران چهره در موفقیت فیلمها نقش زیادی دارند و بسیار ارزشمند هستند، اما ما در راستای معرفی بازیگران خلاق و تازه به سینما هم مسئول هستیم. سینمانیاز به بازیگران جدید، توانا و خلاق دارد و باید این چرخه حفظ شود.

در اثر شما پدیده نوظهور بازیگری حضور دارد؟ کدام نقش را ایفا می کند و چطور انتخابش کرده اید؟

در کار دو کودک داریم، یکی ده ساله و دیگری پنج ساله و هر دوی اینها فوق العاده بازی کردند. داستان فیلم بر اساس دو کودک بنا شده است و ما سعی کردیم با توجه به فاکتورهایی که نقش دارد، کودکانی را انتخاب کنیم که از لحاظ روحی نزدیک به نقش باشند. مدتی از کودکان مختلف تست گرفتیم و در نهایت به این دو عزیز رسیدیم و انتخابشان کردیم.

اینطور به نظر می رسد که در فیلم کوتاه دست کارگردان برای اجرا و تست ساختار و فرم های متغیبات بازیگر است. با این توضیح و بعد از ساخت چند فیلم کوتاه، در اولین اثر بلندتان، ساختار یا فرم جدیدی را تجربه کردید؟

سعی کردم فضای شاعرانه کار را هم در فرم و هم در محتوا رعایت کنیم. در فیلمنامه نویسی و دیالوگ نویسی و در میز لسنها و قاببندیها، در همه سعی کردم این فضای شاعرانه حفظ شود و وجود داشته باشد. به نظر خودم با گر و همان در اثر به فرمی رسیدیم که خیلی در سینمای ایران مشاهده نشده است. حالا باید ببینیم که این فرم مورد پسند مخاطبان ایرانی قرار می گیرد یا اینکه دوستش ندارند.

در اثر شما از جلوه های ویژه میدانی و بصری استفاده شده است؟

به ندرت. سعی کردیم تاجای ممکن همه چیز طبیعی برگزار شود. جلوه های میدانی در حد ورزش باد و مسائل اینچنینی بوده است. اما در بخش بصری کمی بیشتر از میدانی کار کرده ایم. در بخش بصری VFX حشرات و پرندگان داشته ایم و یک سری کارها در سکانسی که قطار حضور دارد انجام شده است.

اثر شما در چه ژانری قرار می گیرد؟

ماودرام اجتماعی.

«در آغوش درخت» در جشنواره چهیل و یکم چه شانس هایی دارد؟

امیدوارم که کار در تملی بخشها دیده شود و این احتمال را هم می دهم که دیده شود و تأثیر خود را هم روی مخاطبان داشته باشد؛ چون همه عوامل و بازیگران تمام تلاش خودشان را کرده اند و کار، اثر باشکوه و دلی است.

دیالوگ برتر فیلمتان کدام دیالوگ است؟

«ماهیا تا از آب بیرون نیان قدر آبونمیفهمن».

سکانس برتر فیلمتان کدام سکانس است؟

سکانس مشاوره. زملی که زن وشوهر برای حل مشکلاتشان در اتاق مشاوره در حال صحبت و انجام مشاوره هستند.



دکوپاژی که با استوری برد همراه است، بیشتر در آثاری استفاده می شود که ما با پروداکشن طرف هستیم. به نظر من، در کارهایی که این احتمال وجود دارد که روابط و موقعیتها در نگاه کارگردان تأثیرگذار باشند، و ما زیاد با پروداکشن طرف نیستیم، نیازی نیست حتما با یک استوری برد کامل سر صحنه فیلمبرداری حاضر شویم. ما به اندازه های دکوپاژ را با هماهنگی فیلمبرداری انجام داده بودیم، اما بخشی از دکوپاژ در صحنه و لحظه فیلمبرداری کشف می شد و به آن می رسیدیم.

براکندگی لوکیشن کار در چه حد بود و در چه شهرهایی فیلمبرداری اثر انجام شده است؟

صحبت هایی با تهیه کنندگان اثر داشتیم و نتیجه این بود که از تهران دور بشویم و به سمت لوکیشن هایی برویم که کمتر دیده شده اند. در نهایت تصمیم این شد که به سمت آذربایجان برویم، چون من آن قلیم را بهتر می شناسم. به آذربایجان غربی رفتیم و

آنهارتباط برقرار کند.

از نظر من در دنیا افراد قدر دانسته ها را نمی دانند و به همین دلیل عموم افراد حال خوبی ندارند. فیلم «در آغوش درخت» این حوزه ها را پوشش می دهد.

باتوجه به اینکه نویسنده اثر هم خود شما بوده اید، چه مدت زمان صرف نگارش فیلمنامه شده و چندباز مورد بازنویسی قرار گرفته است؟

باتوجه به شکل کاری مان، بازنویسی جداگانه ای نداشتیم و همه چیز در دل نگارش انجام می شد. از ایده به طرح رسیدیم و از طرح به سیناپس و در نهایت هم فیلمنامه را نگارش کردیم. این مراحل و مدت زملی که به صورت کلی صرف نگارش فیلمنامه شد، حدود هفت ماه است.

دکوپاژ کار را قبل از شروع فیلمبرداری کامل کرده بودید و بابه شکل دکوپاژ سر صحنه عمل کردید؟